

بررسی عادات کتابخوانی

مجله پژوهش

و ترویج آن در ایران

و مقایسه آن با کشور آلمان

شیما ملاصلحی

توضیحاتی درباره سخنرانی هولم گفت: «بعد از جلسهای که در خدمت دوستان بودیم. این گونه مقرر شد که خانم هولم، به زبان آلمانی صحبت کنند و مترجم سفارت هم ترجمه کند، ولی این حالت پیچیدهترین شرایط را برای فهمیدن مطلب ایشان به وجود می آورد. سپس از ایشان خواهش کردیم به زبان انگلیسی صحبت کنند و این چنین شد که من مترجم ایشان شدم.» سپس هولم سخنرانی کرد که متن آن را می خوانید:

سلام، من خیلی خوشحالم که در این کشور هستم. این اولین باری است که من به ایران می آیم. همچنین، مسافرتی به شهرهای شیراز و اصفهان داشتم که مردمانی بسیار خونگرم و مهربان و نقاط دیدنی فراوانی دارد.

متشکرم برای حضورم در این جا و خوشحالم که می توانم شما را در تجربیات خود سهیم کنم. همچنین، از نمایشگاه کتاب فرانکفورت تشکر می کنم که این فرصت را برای من فراهم کرد و از تمام دوستانی که در زمینه ترجمه متن سخنرانی من به فارسی و تدوین آن مرا یاری کردند، قدرانی می کنم.

سخنرانی من شامل ۳ بخش است. در بخش اول، راجع به خواندن و وسایل خواندن در آلمان صحبت می کنم و در بخش دوم، به توضیح درباره مؤسسه بنیاد خواندن می پردازم و در آخر هم چند نمونه مشخص از کارهایی را که در این زمینه ها انجام

در حدود ۹۰ درصد بودجه سالانه این مؤسسه که تقریباً ۴ میلیون یورو است، از طریق حمایت های مالی و بقیه توسط مراکز دولتی تأمین می شود. بنیانگذاران این مؤسسه معتقدند که بنیاد خواندن، همانند یک کارگاه آموزشی عمل می کند تا بتواند استعدادها و افکار سازنده جدید را در میان مدارس، کتابخانه ها، دست اندرکاران خرید و فروش کتاب و حتی خانواده ها برانگیزد. همچنین، هولم در سمت آموزگار، دارای تجربیات ارزنده ای در زمینه برنامه های ترویج خواندن معرفی کتاب و انعکاس فعالیت های موسسه در رادیو و تلویزیون است. وی در سال جاری، برای ترویج اهداف مؤسسه سخنرانی هایی با سرفصل های زیر داشته است:

مکان	زمان	موضوع
مؤسسه گونه در Kairo ۲۰۰۴	ترویج خواندن در عصر اینترنت	
دانشگاه Gent ۲۰۰۳	سوادآموزی همه جانبه	
نمایشگاه بین المللی ۲۰۰۳	ترویج و تشویق	
کتاب کودک بولونیا	کتابخوانی در میان کودکان	
دانشگاه لندن ۲۰۰۲	ترویج خواندن در قرن بیستم	
نمایشگاه کتاب Jerusalem ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱	مجمع بین المللی ترویج خواندن	

در این مؤسسه، سالانه ۱۵ طرح بزرگ، مورد بررسی قرار می گیرد که بودجه مالی آن ها، با حمایت های مالی تأمین می گردد. پیش از سخنرانی هولم، نوش آفرین انصاری، در

جلسه بررسی عادات کتابخوانی و ترویج آن در ایران و مقایسه آن با کشور آلمان، در روز یکشنبه ۸۳/۲/۲۰، در سالن کنفرانس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد. در این جلسه، گابی هولم (Gaby Hohm)، از بنیاد مطالعه در کشور آلمان، نوش آفرین انصاری، دبیر شورای کتاب کودک، لیلی حایری یزدی، کارشناس امور بین الملل کانون پرورش فکری، حمیدرضا شاه آبادی، مدیر امور انتشارات کانون، جمعی از اعضای شورای کتاب کودک، دست اندرکاران و مربیان کانون و خبرنگاران حضور داشتند.

در این جلسه، هولم، کارشناس تعلیم و تربیت، به بیان تجربیات خود در ارتباط با توسعه مطالعه کودکان در آلمان پرداخت. سپس انصاری، درباره کار و فعالیت شورای کتاب کودک در وزارت آموزش و پرورش، حمایت از دایرةالمعارف ایرانی، آموزش ادبیات خردسالان، نقش کتابخوانی و کتابداران در مدارس صحبت کرد و در ادامه، شاه آبادی، گزارشی درباره کتابخانه های کانون و نقش آن ها در مناطق زلزله زده بم و قائن داد و در انتها حایری یزدی، درباره نقش اینترنت در ترویج کتابخوانی گزارشی ارائه کرد.

هولم از سال ۱۹۸۰، در زمینه پروژه های متعدد، با مؤسسه بنیاد خواندن همکاری می کند. این مؤسسه، در سال ۱۹۸۸، با هدف ترویج خواندن در کشور آلمان تأسیس گردید و در حال حاضر، با حمایت دفتر ریاست جمهوری آلمان فدرال، به صورت عام المنفعه اداره می شود.



دادم، بیان خواهم کرد.

وضعیت کتابخوانی و حمایت از آن در آلمان، در ده سال گذشته با تغییراتی عمیق همراه بوده است. توسعه پرشتاب اینترنت، DVD و لوح‌های فشرده، استقبال چشم‌گیر از سینما در سال‌های اخیر، ادامه روند ادغام و تمرکززدایی در بازار کتاب و رشد انفجاری فرستنده‌های تلویزیونی، عرصه رسانه‌ها را دستخوش تغییر ساخته و تأثیرهای عمیق خود را بر آن به جا نهاده‌اند. این همه، نشانگر وضعیت اشباع استفاده از رسانه‌ها در خانواده، یعنی جایی است که نسل جوان در آن پرورش می‌یابد.

اکنون باید دید که ارتباط روزمره کودکان، نوجوانان و بزرگسالان با رسانه‌ها چگونه است؟ برخورد آنان با کتابخوانی به چه شکل است؟ آیا توسعه رسانه‌های مدرن، نحوه برخورد آنان با کتابخوانی را تغییر داده است؟ من تلاش خواهم کرد با تکیه بر نتایج بررسی‌های مختلف، به چنین سوالاتی پاسخ گویم (پروژه تحقیقاتی «رفنارها در آلمان در هزاره جدید، بنیاد کتابخوانی ۲۰۰۱» و هم چنین پروژه‌های KIM ۲۰۰۳، انجمن تحقیقاتی جنوب غربی برای پرورش رسانه‌ای).

کودکان و نوجوانان در آلمان، تقریباً به اندازه والدین‌شان، به رسانه‌های جدید دسترسی دارند. بیش از نیمی از کودکان، از دستگاه ضبط صوت کاستی، در

هولم:

وضعیت کتابخوانی و حمایت از آن در آلمان، در ده سال گذشته با تغییراتی عمیق همراه بوده است.

توسعه پرشتاب اینترنت، DVD و لوح‌های فشرده،

استقبال چشم‌گیر از سینما در سال‌های اخیر،

ادامه روند ادغام و تمرکززدایی در بازار کتاب و

رشد انفجاری فرستنده‌های تلویزیونی،

عرصه رسانه‌ها را دستخوش تغییر ساخته و

تأثیرهای عمیق خود را بر آن به جا نهاده‌اند

اتاق خود استفاده می‌کنند، از هر دو کودک، یکی دستگاه بازی کامپیوتری (گیم‌بوی)، از هر سه کودک، یکی تلویزیون اختصاصی، از هر هفت کودک، یکی تلفن موبایل و از هر هشت کودک، یکی کامپیوتر در اختیار دارد.

رسانه‌های جدید بر زندگی روزمره نوجوانان تسلط بیشتری دارند. در حال حاضر، بیش از ۸۰ درصد از نوجوانان، تلفن موبایل و بیش از نیمی از آنان کامپیوتر و یک چهارم آنان به اینترنت دسترسی دارند. از هر سه نوجوان، یکی دستگاه تلویزیون اختصاصی در اختیار دارد. تلویزیون محبوب‌ترین رسانه در بین مردم آلمان، اعم از کودک، نوجوان و

بزرگسال است.

اکنون ببینیم وضعیت کتابخوانی چگونه است؟ خواندن کتاب در آلمان، طی ده سال گذشته، در مجموع کاهش یافته است. همزمان با آن، تعداد کسانی که کتاب نمی‌خوانند، افزایش یافته است. (هر یک به طور تقریبی به میزان ده درصد).

از منظر کتابخوانی، می‌توان جامعه آلمان را «جامعه‌ای یک سومی» دانست: قریب یک سوم از جمعیت، به طور مستمر کتاب می‌خواند، یک سوم حداقل یک بار در ماه کتاب می‌خواند و یک سوم بقیه هرگز کتاب نمی‌خواند و یا به ندرت به آن می‌پردازند.

در زمینه محتوای کتاب‌هایی که خوانده می‌شوند نیز در مجموع، تغییر گرایش‌هایی قابل مشاهده است. کتاب‌ها می‌بایست در درجه اول جذاب و مهیج باشند و در مرتبه بعد به تفکر وادارند. کتاب‌های طنز و کتاب‌هایی که به مسائل سیاسی و اجتماعی روز می‌پردازند، در مقایسه با سایر کتب کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند.

نتایج یک بررسی جدید، نشان می‌دهد که در بین کودکان ۱۳ تا ۱۶ ساله، خلاف بزرگسالان، گرایش مثبت در زمینه کتابخوانی در حال شکل‌گیری است. این گروه، در مجموع بیشتر کتاب خوانده است و در مقایسه با سال‌های گذشته، لذت بیشتری از مطالعه



دو قسمت مغز به ذهن می‌سپارد. از همین رو، این آموخته‌ها عمیق‌تر است و با تأثیر بیشتری در سیستم عصبی مغز ثبت می‌شود.

از این رو ما انتظار داریم که در درجه اول، والدین و معلمان به کودکان بیاموزند که: کتابخوانی لذت‌بخش است؛ زیرا کودکان در سنین بالاتر و نوجوانان، فقط چیزهایی را که لذت بخش باشد، مطالبه خواهند کرد.

اکنون باید دید که با توجه به فرض‌هایی که به آن‌ها اشاره خواهد شد حمایت از کتابخوانی چگونه می‌تواند انجام گیرد؟ این فرض‌ها عبارتند از:

○ تأثیر انکارناپذیر والدین، مهد کودک و مدرسه (همه بررسی‌ها نشان می‌دهند که خانواده، نقشی محوری در اجتماعی کردن امر کتابخوانی به عهده دارد. در عین حال، مهدهای کودک و مدارس نیز تأثیری آشکار بر این روند دارند).

○ تغییر در نحوه رفتار با رسانه‌ها و کاهش کتابخوانی

○ افزایش نوع مطالعه، به صورت از این شاخ به آن شاخ پریدن

این همه را می‌توان به طور مختصر و موجز، در این عبارت خلاصه کرد:

باید هر چه زودتر و هر چه نزدیک‌تر، با کودکان و نوجوانان ارتباط برقرار کرد.

از همین جا می‌توان هسته اصلی فعالیت بنیاد

برابر بیشتر از کسانی که از کامپیوتر استفاده نمی‌کنند، کتاب‌های موضوعی و دو برابر بیشتر از آنان ادبیات سرگرم‌کننده می‌خوانند. این امر در تعداد کتاب‌های خوانده شده توسط این دسته نیز مشاهده می‌شود. نوجوانانی که در سال بین ۱۰ تا ۲۰ کتاب می‌خوانند، به طور عمده به گروه استفاده‌کنندگان از کامپیوتر تعلق دارند.

اما در این گروه سنی، نه تنها کمتر کتاب خوانده می‌شود، بلکه قبل از هر چیز، نوع کتاب خواندن تفاوت کرده است.

این امر در مورد نوجوانان، این گونه بروز می‌کند که آن‌ها اغلب به متون نگاهی گذرا می‌اندازند و فقط مطالبی را که برای‌شان جذاب است از آن بیرون می‌کشند.

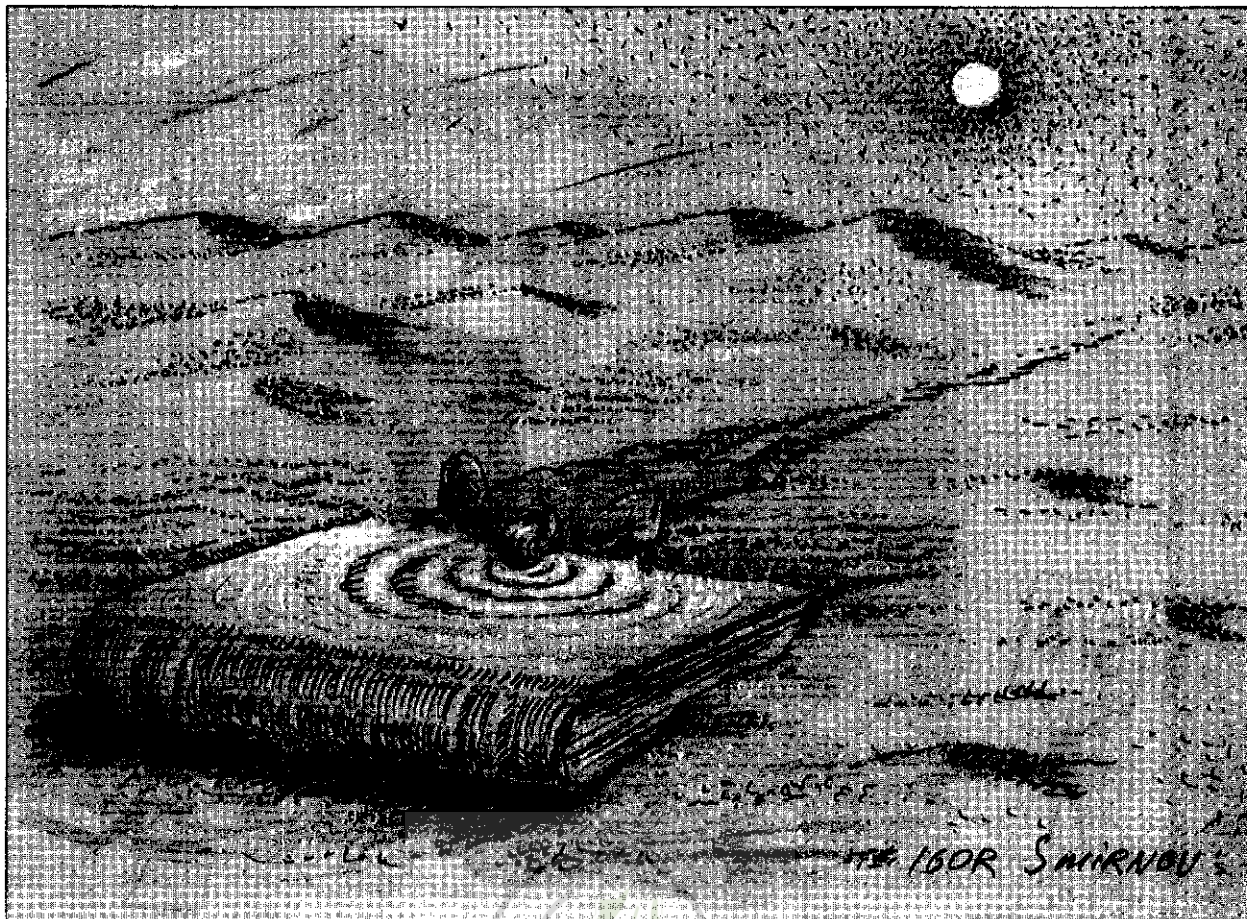
تصور این که این نوع خواندن، چه تأثیری بر قرائت به منظور برداشت کلی از متن خواهد داشت، چندان مشکل نیست. در این نوع خواندن، مانند تعویض مستمر کانال‌های تلویزیون، مرتب از این شاخه به آن شاخه پریده می‌شود و با توقیف کوتاه در هر متن، برداشت مختصری از آن صورت می‌گیرد.

همه کسانی که با کتاب، کتابخوانی و حمایت از کتابخوانی سروکار دارند، به اهمیت علاقه به مطالعه، برای رشد توانایی کتابخوانی واقفند. این واقعیت را نتایج تحقیقات جدید در مورد رشد مغز نیز تأیید کرده است. کودک همه آن چه را که با علاقه بیاموزد، با هر

می‌برد. دو سوم این گروه، به کتاب علاقه دارد و فقط یک سوم علاقه‌ای به مطالعه کتاب ندارد. به نظر می‌رسد که این علاقه‌مندی، بیشتر تحت تأثیر کتاب‌های «هری پاتر» ایجاد شده باشد. داستان‌های هری پاتر، با فاصله زیاد، در صدر فهرست کتاب‌های مورد علاقه کودکان قرار دارند. کودکان به غیر از این کتاب‌ها، به ویژه و به ترتیب از داستان‌های ماجراجویی، داستان‌های مصور، داستان‌های حیوانات، داستان‌های تخیلی، داستان‌های جادوگری و بالاخره داستان‌های پلیسی و کارآگاهی استقبال می‌کنند.

در مورد نوجوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله، وضعیت متفاوت است. در بین این گروه، کاهش علاقه‌مندی به مطالعه کتاب، به میزان ۱۰ درصد مشاهده می‌شود. آن چه ما را به عنوان حامیان کتابخوانی، بیشتر با وحشت مواجه کرده این واقعیت است که ۴۲ درصد از نوجوانان ۵ ساله در آلمان، به طور مطلق علاقه‌ای به کتابخوانی ندارند. به این ترتیب، تعداد نوجوانانی که روزانه و یا چند بار در هفته کتابی به دست می‌گیرند، ۱۵ درصد کاهش یافته و تعداد نوجوانانی که به ندرت و یا اصلاً کتابی نمی‌خوانند، ۱۰ درصد افزایش یافته است.

نتایج تحقیقات جدید نشان می‌دهد که کامپیوتر به هیچ‌وجه دشمن کتاب نیست؛ واقعیتی که تعجب ما را نیز برانگیخته است. نوجوانانی که به طور مکرر از کامپیوتر استفاده می‌کنند، همان کسانی هستند که کتاب نیز زیاد می‌خوانند. این دسته به طور منظم سه



هولم:

**زمان درازی طول کشید تا ما دریافتیم که
تعلیم و تربیت و بازاریابی، نه تنها دشمنان یکدیگر نیستند،
بلکه با تلفیق درست این دو،**

**امکانی بی نظیر برای تلفیق وظایف،
پروژه‌ها و استراتژی یک نهاد غیرانتفاعی،
مثل بنیاد کتابخوانی برای حمایت از کتابخوانی،
با اندیشه‌های شرکت‌های خصوصی،
از طریق تعریف نقاط تلاقی مشترک
فراهم می‌کند**

تربیت و بازاریابی را با یکدیگر آشتی داد و از این طریق، منابع لازم را از بخش خصوصی تأمین کرد. زمان درازی طول کشید تا ما دریافتیم که تعلیم و تربیت و بازاریابی، نه تنها دشمنان یکدیگر نیستند، بلکه با تلفیق درست این دو، امکانی بی‌نظیر برای تلفیق وظایف، پروژه‌ها و استراتژی یک نهاد غیرانتفاعی، مثل بنیاد کتابخوانی برای حمایت از کتابخوانی، با اندیشه‌های شرکت‌های خصوصی، از طریق تعریف نقاط تلاقی مشترک فراهم می‌کند. ما اکنون سال‌هاست که با راه آهن آلمان،

کتابخوانی را توضیح داد. اما قبل از این که بیشتر به این موضوع بپردازم، به طور مختصر، در مورد تاریخچه بنیاد کتابخوانی، تشکیلات و تأمین مالی هزینه‌های آن و پروژه‌هایش که به نوبه خود دارای اهمیت است، توضیح می‌دهم.

بنیاد کتابخوانی، نهادی غیرانتفاعی است که وظیفه آن، حمایت از کتابخوانی و تحقیق در این مورد است. ریاست افتخاری آن را مقام ریاست جمهوری به عهده دارد. این بنیاد، در سال ۱۹۸۸ میلادی و بر بنیان‌های سازمانی که قبل از آن وجود داشت، تأسیس گردید.

بنیاد کتابخوانی، بنیادی عملیاتی است که کمکی از نهادها و دولت دریافت نمی‌کند. هزینه‌های بنیاد، از طریق سرمایه‌کوچکی که در اختیار دارد، حق عضویتی که اعضای آن در بخش ناشرین می‌پردازند و به ویژه کمک‌های شرکت‌هایی که با کتاب سروکاری ندارند، تأمین می‌شود. ما مجبوریم هر ساله ۹۰ درصد از بودجه ۴/۵ میلیون یورویی خود را از طریق شرکت‌های خصوصی تأمین کنیم. اما چگونه می‌توان به اهداف دست یافت، وقتی پولی موجود نیست؟ پاسخ ما این است: باید تعلیم و

شرکت موتورسازی میتسوبیشی، شرکت کوکاکولا و هم‌چنین شرکت‌های توزیع فیلم، مانند کمپانی فوکس قرن بیستم و یونایتد اینترنشنال پیکچرز، همکاری می‌کنیم.

درباره علمکرد بنیاد، باید بگویم که مخاطبین ما در فعالیت برای حمایت از کتابخوانی، گروه‌های زیر هستند:

- والدین کودکان خردسال
- خود کودکان و نوجوانان
- معلمان و مسئولین

امور تربیتی، به عنوان سرشاخه‌های ارتباطی ما با مهدهای کودک و

مدارس

○ جمعیت بزرگسالی که علاقه کمی به کتابخوانی نشان می‌دهد. این گروه در آلمان، کشوری که به سرزمین شعرا و متفکرین شهرت دارد، یک سوم جمعیت را تشکیل می‌دهد.

ابتنا به خانواده و مهد کودک بپردازیم. ۷۰ درصد والدین در آلمان، به دنبال کسب اطلاعاتی در مورد آموزش کتابخوانی به فرزندان‌شان و آشنایی آن‌ها با وسایل ارتباط جمعی و هم چنین کسب اطلاعات در مورد بازار وسایل ارتباطی برای کودکان هستند. دلیل



و اسباب بازی برای کودکان قرار داده‌ایم. در این بروشورها در کنار کتاب، سایر وسایل ارتباطی نظیر ویدیو، DVD، نرم افزارهای کامپیوتری و بازی‌های مختلف انتخاب و معرفی می‌شوند.

هدف از این اقدام، آن است که به والدین نشان دهیم که منظور ما این نیست که برای آشنا ساختن کودکان با وسایل ارتباطی، یک وسیله ارتباطی را بر وسیله‌ای دیگر ترجیح دهیم، بلکه مهم‌تر این است که وسایل مختلف ارتباطی برای کودکان، به نحو صحیحی با یکدیگر تلفیق شوند.

در این طرح نسبتاً جدید، تلاش می‌شود سالمندان، برای شرکت افتخاری در فعالیتهای فرهنگی تشویق شوند و برای کودکان در مهدهای کودک، مدارس، کتابخانه‌ها و حتی در همسایگی خود کتاب بخوانند. هم اکنون، قریب به ۳ هزار نفر به صورت افتخاری در این برنامه شرکت می‌کنند.

این افراد در جلساتی یک تا دو روزه، توسط ما آموزش داده می‌شوند و سپس کارت‌های عضویت در کلوب و سنجاق سینه مخصوص را دریافت می‌کنند. آن‌ها به این ترتیب می‌توانند با فعالیت افتخاری خود در حمایت از کتابخوانی و گفت و گوی بین نسل‌ها سهیم شوند.

امسال، برای دومین بار، «صد مهد کودک برگزیده در زمینه قرائت کتاب برای کودکان»، از بین ۳۸ هزار مهد کودک در آلمان، انتخاب می‌شوند. این اقدام و سایر برنامه‌ها برای حمایت از کتابخوانی در

خودروی قرائت کتاب، انومبیلی است که توسط خودروسازی میتسوبیشی اهنا شده و با صندوق‌های کتاب در موضوعات مختلفه دفترچه‌های راهنما برای معلمان و والدین، نمایشگاه‌های سیار، خرس‌های کتابخوان و غیره تجهیز شده است. همه آن چه یک مهد کودک، از دانش و تجربه برای این منظور نیاز دارد، در خودرو مهیاست.

در مورد برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی، قبلاً با نهادهای مسئول مهد کودک‌ها و مدارس نظیر ارگان‌های محلی، کلیساها و نهادهای خصوصی هماهنگ و اطمینان حاصل می‌شود که می‌توان برای حل مشکل، در محل راه حلی یافت. تقریباً همه خانواده‌های آلمانی که فرزندان خردسال دارند، باید برای معاینه جهت پیش‌گیری از امراض، به پزشک متخصص اطفال مراجعه کنند. در آلمان قریب به ۵ هزار مطب و پزشک متخصص اطفال وجود دارد. در این مطب‌ها می‌توان احتمالاً به والدینی برخورد کرد که در جلسات ما برای راهنمایی والدین شرکت نمی‌کنند.

بنیاد کتابخوانی در آلمان، از پزشکان متخصص اطفال خواسته است که موضوع کتابخوانی کودکان و رشد قدرت بیان آن‌ها را بیش از پیش، در گفت و گو با والدین، مورد توجه قرار دهند.

ما در سال‌های گذشته، حدود چهارصد هزار بروشور را که هر شش ماه یک بار به روز می‌شوند، در اختیار مطب‌های پزشکان اطفال و فروشندگان کتاب

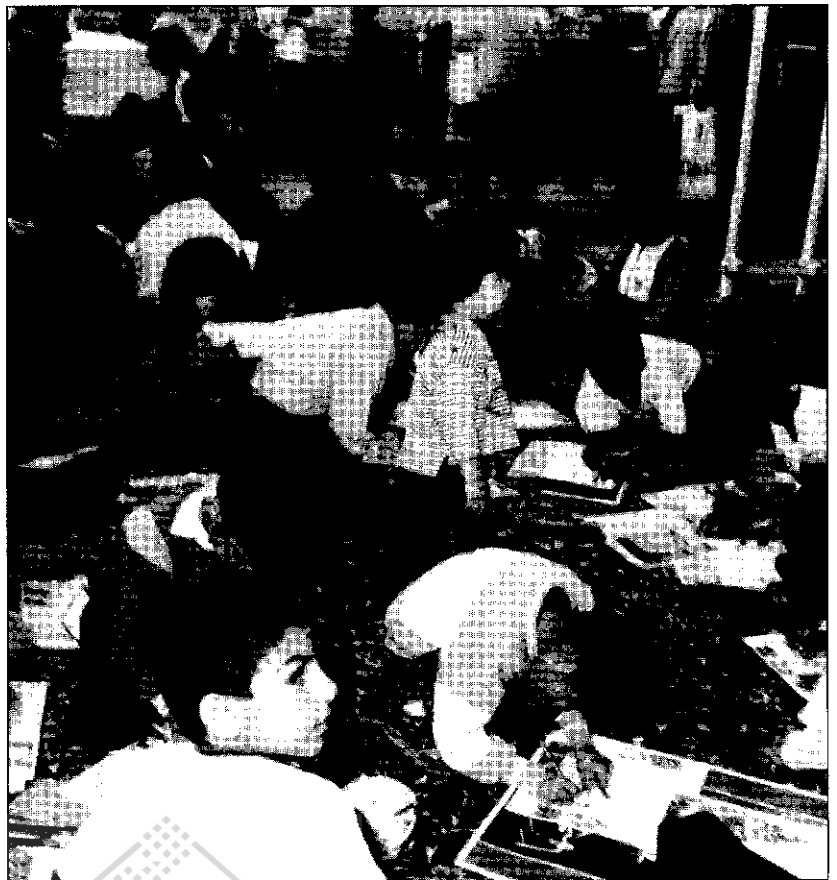
این علاقه‌مندی برای کسب اطلاعات، وجود تعداد کثیری کتاب (به عنوان مثال، هر سال ۶ هزار عنوان کتاب جدید، برای کودکان منتشر می‌شود) و عرضه بی‌شمار سایر رسانه‌هاست که باعث سردرگمی آن‌ها در تشخیص موارد مفید برای فرزندان‌شان می‌شود.

سؤال این است که چگونه می‌توانیم به والدینی دسترسی پیدا کنیم که با کتاب سروکاری ندارند، در جلسات ما برای والدین شرکت نمی‌کنند و به فرزندان خود با توجه به متغیرهای اصلی اجتماعی کردن کتابخوانی، آموزش کافی نمی‌دهند؟

بنیاد کتابخوانی، بر این اعتقاد است که ارتباط با این خانواده‌ها، یکی از وظایف مرکزی برای حمایت از کتابخوانی، نه تنها در آلمان، بلکه در سراسر جهان است. سؤال دوم این است که چگونه «تعلیم‌دهندگان را در خانواده و مهدهای کودک تعلیم دهیم»؟ برای این که پدیده ما در این زمینه چه می‌کنیم چند مثال کوتاه می‌زنم.

سه خودروی مخصوص قرائت کتاب، با چهار کارشناس، در آلمان مشغول به کارند و هر ساله قریب ۱۳۰ همایش و کارگاه آموزشی، در مهدهای کودک و گاه در مدارس ابتدایی برگزار می‌کنند. در این همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی، از جمله نشان داده می‌شود که چگونه باید کتابی را برای دیگران قرائت کرد، چه کتاب‌هایی برای این کار مناسبند و چگونه باید شرایط مناسب را برای کتابخوانی در مهدهای کودک ایجاد کرد.

شاه آبادی:
ما برای انسان بودن،
محتاج تجمل هستیم و
فرهنگ تجمل،
فرهنگی بسیار فرهیخته
و مناسب است
که در چنین مواردی،
به آن احتیاج داریم.
حضور گروه‌های فرهنگی
و ادامه فعالیت‌های فرهنگی،
برای انسان‌هایی که
نیازهای اولیه زندگی خود را
از دست داده‌اند و اکنون
محتاج به دست آوردن
آن‌ها هستند،
بسیار واجب و مهم است



خانواده و مهدهای کودک، با برنامه جدیدی در سطح ملی هم‌زمان شد که ما در اواخر ماه دسامبر، با همکاری هفته‌نامه معتبر «دی سایت» و سایر پشتیبانان خود، آغاز کردیم.

ما هم چنین قصد داریم در برنامه «ما همه جا و در هر زمان کتاب می‌خوانیم» که با حمایت شخصیت‌های معروف اجرا خواهد شد، توجه افکار عمومی را به موضوع قرائت کتاب برای دیگران جلب و زمینه را برای فعالیت افتخاری در حمایت از کتابخوانی فراهم کنیم. برای این منظور، ما از همه رسانه‌ها استفاده می‌کنیم: پوسترهای بزرگ، آگهی در روزنامه‌ها، فیلم‌های کوتاه تبلیغاتی در تلویزیون و طبعاً اینترنت.

در کنار حمایت از کتابخوانی در خانواده و مهدهای کودک، کار در عرصه مدارس، یکی دیگر از عناصر اصلی فعالیت ما را تشکیل می‌دهد. در آلمان در حدود ۲۰ هزار دبستان برای آموزش کودکان بین ۶ تا ۱۱ ساله و ۱۵ هزار مدرسه در مقاطع بالاتر، برای آموزش نوجوانان ۱۲ تا ۱۹ ساله وجود دارد.

فعالیت ما در عرصه مدارس چگونه است؟ نوجوانان در دوره بلوغ، بیش از پیش به سمت هم‌نسلان خود گرایش پیدا می‌کنند. نوستان به مهم‌ترین هم‌صحبتان تبدیل می‌شوند و در دارو دسته‌ها و محافل همسن، با یکدیگر ملاقات می‌کنند. ما با توجه به این امر، در سال‌های گذشته ۶۰۰ کلوپ کتابخوانی برای نوجوانان در مدارس

تشکیل داده‌ایم که در آن‌ها کتاب، روزنامه، مجله و گاه تلویزیون و سایر وسایل ارتباطی، در دسترس مراجعین قرار می‌گیرد. کلوپ‌های کتابخوانی در مدارس، توسط معلمین سرپرستی می‌شوند. این کلوپ‌ها این امکان را برای نوجوانان فراهم می‌کنند که در خارج از ساعات درس، با همسن و سال‌های خود ملاقات کنند و با مدرسه، نه تنها به عنوان محیط درس، بلکه هم چنین به عنوان محیطی برای استفاده از اوقات فراغت آشنا شوند.

در این کلوپ‌ها، کتاب و کتابخوانی ضرورتاً محور فعالیت نیست و فرصت کافی برای بازی، کاردستی، نقاشی، شنیدن موسیقی، فعالیت‌های مشترک حتی دور هم بودن بی‌تکلف و سرگرمی وجود دارد.

اکنون ما یلیم یکی دیگر از روش‌های حمایت از کتابخوانی را به شما معرفی کنیم، روشی که به اعتقاد ما برای مخاطبین نوجوان و تغییراتی که در عادات آن‌ها در برخورد با وسایل ارتباطی ایجاد شده و ترغیب آن‌ها برای کتابخوانی، بسیار مناسب است.

منظورم حمایت از کتابخوانی، به وسیله فیلم‌های سینمایی است.

در سال‌های اخیر، سینماها در آلمان به یکی از محل‌های ملاقات نوجوانان با یکدیگر تبدیل شده‌اند. آن‌ها یکی از مهم‌ترین اماکن خاطره‌انگیز برای نوجوانان هستند.

بنابراین، چرا نباید پلی بین سینما و کتابخوانی

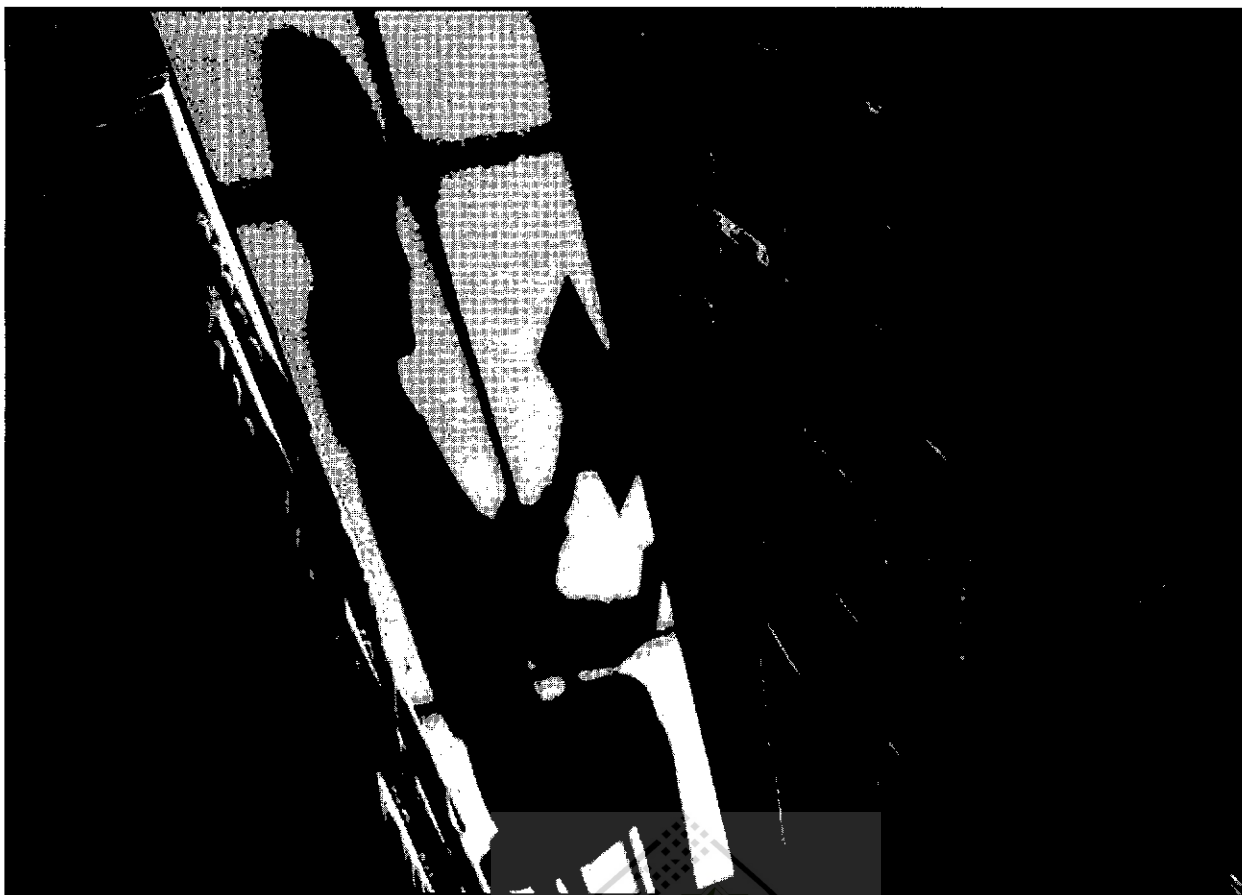
ایجاد کنیم؟ چرا نباید با نوجوانان در همان جایی تماس بگیریم که حضور دارند و چرا نباید با علاقه‌مندی و جهت‌گیری‌های خاطره‌انگیز آن‌ها ارتباط ایجاد کنیم و حادثه فیلم سینمایی را به حادثه کتابخوانی پیوند زنیم؟

بنابراین، چه باید بکنیم؟

توزیع کنندگان فیلم، مانند کمپانی فوکس قرن بیستم، UIP، کلمبیا تری‌استار و غیره بسیار علاقه‌مند هستند تا طرق جدید بازاریابی را بیازمایند و به ویژه از طریق مدارس به نوجوانان دسترسی پیدا کنند. البته در آلمان، تبلیغ در مدارس اساساً ممنوع است و استفاده از این مسیر مستقیم برای دستیابی به مصرف‌کنندگان، ممکن نیست.

بنیاد کتابخوانی در نقطه تلاقی بین بازاریابی و حمایت از کتابخوانی برای معلمین و دانش‌آموزان، مطالبی را که به فیلم و هم چنین موضوعات آن می‌پردازند تهیه می‌کند و علاوه بر آن، پیشنهادات زیادی برای مطالعه ارائه می‌دهد.

برای معلمین یک بورس ایده‌ها، دفترچه راهنمایی حاوی روش‌های آموزش، تدوین شده است و به همراه نمونه‌هایی برای کپی گرفتن توسط دانش‌آموزان، به منظور پرداختن آنان به موضوعات مطرح شده در فیلم، از طریق ادبیات و سایر رسانه‌ها ارائه می‌گردد. برخورد بی‌تکلیف و خلاقانه با موضوعات فیلم، معماهای ادبی و جدول کلمات متقاطع، جست و جو در اینترنت، جست و جو در



آورده‌ام. آن‌ها اغلب به زبان آلمانی هستند، ولی فکر می‌کنم که به همین صورت هم تصویر کاملی برای آشنایی با این کار ارایه می‌دهند.

نحوه ارایه این مطالب نیز نقش مهمی به عهده دارد. صفحه‌آرایی این مطالب زنده و مدرن است و شباهتی به مطالب کلاسیک مدرسه‌ای که اغلب یکنواخت و خسته کننده‌اند، ندارد.

برای هر یک از ۱۵ هزار مدرسه در آلمان، ۵ نسخه از این مطالب، به صورت مجانی ارسال می‌شود. آن‌ها می‌توانند در صورت نیاز، نسخه‌های بیشتری سفارش دهند. علاوه بر این، ما ۱۰ هزار معلمی را که عضو کلوب‌های کتابخوانی ما هستند، از طریق پست الکترونیک، با مطالب لازم تغذیه می‌کنیم.

در خاتمه، مایلم شما را با یکی از برنامه‌های مان آشنا کنم که در آن نیز شبکه رسانه‌ای نقش مهمی دارد. البته در این مورد، رسانه مورد استفاده تلویزیون است که کماکان اصلی‌ترین رسانه مورد استفاده نوجوانان محسوب می‌شود.

روز جهانی کتاب

ما از هشت سال پیش، این روز را که برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ میلادی، توسط یونسکو برگزار شد، با همکاری مؤسسه نظیر راندوم هاوس، شرکت راه‌آهن آلمان، میتسوبیشی و کانال دوم تلویزیون آلمان جشن می‌گیریم.

ما هرساله در این روز، رشته برنامه‌هایی برای



در اختیار دارند. اغلب از آن‌ها سود می‌جویند.

بنیاد کتابخوانی در این بین، برای حدود ۳۰ فیلم سینمایی، اقدامات مختلف حمایت از کتابخوانی را اجرا کرده است. این اقدامات، به صورت رشته برنامه‌هایی در مدارس و هم چنین در کتاب‌فروشی‌ها، کتابخانه‌ها و حتی از طریق داروخانه‌ها اجرا شده است. هزینه‌های این برنامه‌ها، چه در گذشته و چه در حال، به صورت کامل توسط صنایع فیلم‌سازی تأمین شده است.

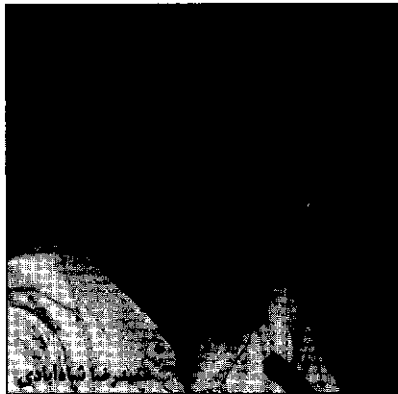
من چند نمونه از مطالب آموزشی‌مان را که در مورد فیلم‌های سینمایی تهیه کرده‌ایم، برای شما

دایرةالمعارف، جست و جود در کتابخانه یا در کتاب‌فروشی، همه و همه باید کمک کنند تا علاقه به فیلم، به علاقه به کتابخوانی منجر شود و به نوجوانان نشان دهد که دنیای کتاب، بیش از فیلم، به نیازهای آنان پاسخ خواهد داد.

طبعاً از این طریق، مقداری نیز آموزش در مورد رسانه‌ها و رسانه سینما انجام می‌گیرد. مقایسه بین فیلم و کتاب و ارایه اطلاعاتی درباره تکنیک‌های سینمایی، همان قدر مورد بررسی قرار می‌گیرند که نحوه تهیه سناریو و یا پس زمینه‌های ادبی این رسانه. بنیاد کتابخوانی با این روش، بخشی از آموزش عمومی رسانه‌ای را انجام می‌دهد که پایه و اساس آن، آموزش کتابخوانی است. تنها کسانی که کتاب می‌خوانند، می‌توانند صلاحیت رسانه‌ای کسب کنند. به ویژه کار با کتاب‌های غیردرسی که به دلیل برخورد با فیلم‌های سینمایی در مدارس ضرورت می‌یابد، جنبه جذاب این اقدام را تشکیل می‌دهد.

سخن را کوتاه کنم: ما اعتقاد داریم که استفاده از فیلم‌های سینمایی، در برنامه‌های حمایت از کتابخوانی، راهی بسیار عالی برای ارتباط با آن دسته از نوجوانانی است که یا علاقه‌ای به کتاب ندارند و یا علاقه قبلی آن‌ها در این زمینه، از بین رفته است.

یادآوری می‌کنم که مطالبی که ما برای این رشته برنامه‌ها تهیه می‌کنیم، صرفاً توسط معلمان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه کتابداران نیز که امکانات متنوع و خوبی برای همکاری بین مدارس و کتابخانه‌ها



نوش آفرین انصاری

هولم:

استفاده از فیلم‌های سینمایی، در برنامه‌های حمایت از کتابخوانی،
راهی بسیار عالی برای ارتباط با آن دسته از نوجوانانی است که یا علاقه‌ای به کتاب ندارند
و یا علاقه قبلی آن‌ها در این زمینه، از بین رفته است

می‌خواهم راجع به اتفاق بسیار جالب و قابل تأملی که روی داده است صحبت کنم و آن، حضور شورا در وزارت آموزش و پرورش است. من سعی کردم در این متن، نشان دهم که چگونه این آمادگی، در دشوارترین وزارتخانه‌های هر کشور پدید می‌آید و چطور شده که دوستانی که تعداد زیادی از آن‌ها معمولاً دور میزشان جمع می‌شده‌اند، توانستند با حضور در مدارس، با استقبال دانش‌آموزان رو به رو شوند که من واقعاً آن‌ها را تحسین می‌کنم.

من فقط عرض می‌کنم که ما در این جا، در دوشاخه شورایی فعال در آموزش و پرورش، فعالیت می‌کنیم.

این دو گروه، شامل مروجان فرهنگ‌نامه و مروجان کتابخوانی است. اتفاقی که روزمره شاهد آن هستیم.

این است که مجموعه‌ای با نوسان ۲۰ تا ۳۰ نفر از همکاران شورایی در مدارس تهران، دوره یک ساله تدریس ادبیات کودکان را در فوق‌برنامه‌ها انجام می‌دهند و هیچ الگویی به این عزیزان داده نشده است. البته، ایشان کارگاه ادبیات کودکان را گذرانده‌اند و ادبیات کودکان را به طور کامل می‌شناسند و فهرست‌های شورا را نیز در اختیار دارند. ما هم این فکر را داریم و داشتیم که تجمع این تجربه‌های پراکنده می‌تواند برای ما خیلی مفید باشد که در یک دبستان، چگونه می‌توان با بچه‌ها ادبیات کودکان را کار کرد و چه اتفاقی می‌افتد که آخر سال پدران،

نوجوانان در مدارس برگزار و مجموعه‌ای از قطعات ادبی را به صورت کتاب جیبی و در شمارگان ۷۰۰ هزار نسخه منتشر می‌کنیم. مسابقه کتابخوانی برای بزرگسالان و بخش تعداد کثیری برنامه‌های تلویزیونی، به ویژه در خلال برنامه‌های کودکان و نوجوانان و تبلیغات تلویزیونی برای تشویق کتابخوانی، از دیگر برنامه‌های این روز هستند.

به ارقامی برای آشنایی با توان ارتباطی برنامه‌های این روز توجه کنید: در سال گذشته، طی رشته برنامه‌های مربوط به روز جهانی کتاب از طریق ۳۰ برنامه تلویزیونی، مطالبی در ۳۰۰ روزنامه و مجله و برنامه‌هایی در ۲۰ فرستنده رادیویی و هم چنین هزار پوستر بزرگ، ۱۶۰ میلیون ارتباط ایجاد شد که ارزش مادی آن برابر با ۴ تا ۵ میلیون یوروست.

خانم‌ها و آقایان محترم، امیدوارم که این مختصر، شما را تاحدی با فرهنگ کتابخوانی و حمایت از آن و هم چنین برخورد روزمره جوانان با رسانه‌ها، در آلمان آشنا کرده و با مثال‌های محدود نشان داده باشد که ما در بنیاد کتابخوانی چه می‌کنیم تا رسانه‌های قدیم و جدید بتوانند یکدیگر را متقابلاً بارور سازند و این که چگونه باید از کتابخوانی، به عنوان پیش شرط رشد کسب صلاحیت برای کار با رسانه‌ها حمایت کرد. از توجه شما تشکر می‌کنم.

پس از اتمام سخنرانی هولم، انصاری به سخنرانی پرداخت. با عرض سلام و ادب خدمت حضار محترم. من

مادران و مدیران مدرسه آن قدر از این طرح استقبال می‌کنند و شاد هستند و ادبیات چه معجزه‌ای در برابر کتاب‌های خشک درسی انجام داده است و چه توانایی‌هایی دوستان ما دارند که در جمع بچه‌ها تجربه می‌کنند. مورد دیگر، دعوت‌های مکرری است که از نواحی مختلف آموزش و پرورش می‌شود و ۱ تا ۳ نفر از اعضای شورا در این نواحی شرکت می‌کنند و برای خود آموزش‌دهندگان، یعنی مدیران، کتابداران و معلمان صحبت می‌کنند که تعدادی از این دوستان، امروز و این جا در جمع ما هستند.

مورد دیگر، موضوع حضور بسیاری از مسئولان آموزش و پرورش، در کارگاه‌هایی خود شورا است که در پی جست و جوی رمز موفقیت‌های شورا هستند و این که چه چیزی در کتاب‌های غیر درسی نهفته است که می‌تواند عادت به مطالعه را در بین بچه‌ها به وجود آورد.

دوستانی که گروه مروجان ما را تشکیل می‌دهند، نزدیک به ۳۰ نفرند. این عزیزان کارگاه‌های مستمر در شورا دارند و مسائل را بارها مطرح می‌کنند و این مسائل جمع‌بندی می‌شود. یک شکل دیگر آن، کار گروهی در مدرسه، به طور کوتاه‌مدت و در قالب برنامه‌های دوروزه قصه‌گویی، شعرخوانی و ادبیات شفاهی است. ارتباطی که هم اکنون بین شورا با آموزش و پرورش به وجود آمده است و این که منطقه برای ما فکس می‌فرستد که بگوید برای فلان روز، یک نویسنده یا شاعر

می‌خواهیم و یا بگویند این کتاب در مدرسه بسیار مورد بحث است و نظر همکاران شورا را راجع به آن بخواهد و همه این‌ها، جریاناتی مطلوب است.

بخش دیگر صحبت خود را به صورت آماری عرض می‌کنم: چون دوستان آمارهای دقیقی به من دادند. برای مثال، چیزی حدود ۵۶۰ کودک و نوجوان، در بخشی از این کلاس‌ها شرکت کردند. من از معرفی نمونه کتاب، در مدارس صحبت کردم و همچنین، درباره این که چطور ادبیات کودکان، با تنوع وارد مدارس می‌شود و این که فرهنگ نامه، روزی در هر یک از مدارس کشور مطرح می‌شود. در ماه‌های اخیر، شاهد این بودم که کتاب «تاریخ ادبیات کودکان» هم به صورت یک کتاب مرجع بسیار خوب و مثبت، وارد مدارس می‌شود و بچه‌ها با آن کار می‌کنند که این‌ها همه دستاوردهای مهمی است.

در مورد فرهنگ‌نامه، گزارشی که رسیده، نشانگر این است که در حدود ۲۵ هزار کودک و نوجوان ایرانی، در دو سال اخیر، فرهنگ‌نامه را شناختند و با آن کار کردند. من از دوستان خواسته بودم نحوه کارشان را مطرح کنند برای این که بتوانیم به یک طبقه‌بندی برسیم و این را به صورت یک طرح ارائه دهیم. مثلاً این که تعریف آن‌ها از توری چیست؟ که همه آن‌ها گفته بودند ما ابتدا به بچه اجازه لمس فرهنگ نامه و احساس شمع و هیجان را می‌دهیم و در لحظه‌ای که احساس می‌کنیم برخورد بچه‌ها با تصویر به حدی است که به شوق آمده‌اند، مطالب را به آن‌ها انتقال می‌دهیم. این‌ها مطالب جالبی است که می‌تواند از کسی که کتاب نمی‌خواند و یا کتاب هم می‌خواند یا اصولاً به کتاب بی‌اعتناست، یک کتابخوان بسازد. خوشبختانه، نیروی دلوطلب ما نگاه پژوهش مدار دارد و من این موضوع را به خانم هولم، در جلسه کوتاهی که در خدمت‌شان بودم، گفتم.

ما در حرکت‌های خود، وقتی برای ایجاد علاقه در بچه‌ها می‌رویم، باید پژوهش‌منار حرکت کنیم؛ یعنی از ابتدا برای‌مان مطرح باشد که سؤال‌مان چیست؟ و دنبال چه چیزی می‌رویم؟ از چه روشی می‌خواهیم استفاده کنیم؟ البته مدیر، معلم و بچه‌ها لازم نیست این مطلب را بدانند، ولی ما باید بدانیم؛ زیرا بعداً لازم است از آن نتیجه علمی بگیریم و به دیگران هم انتقال دهیم. من از دوستانی که این امکان را فراهم کردند تشکر می‌کنم. اگر دوستان این زحمت را نکشیده بودند، من امروز نمی‌توانستم این گزارش را تهیه کنم و به دوستان آلمانی‌مان، به عنوان یک مدرک ارائه بدهم. من خیلی از آنها سپاس‌گزارم و این دوستان در جمع ما هستند.

ما در دو سال اخیر، چندین کتاب، درباره خواندن در ایران منتشر کردیم؛ خواندن برای بچه‌ها، چگونه با هم بخوانیم؟ و خیلی مهم است دوستانی که در این زمینه‌ها کار می‌کنند، این کتاب‌ها را مورد استفاده و

هولم:

کامپیوتر به هیچ وجه دشمن کتاب نیست؛

واقعیتی که تعجب ما را نیز برانگیخته است.

نوجوانانی که به طور مکرر از کامپیوتر استفاده می‌کنند،

همان کسانی هستند که کتاب نیز زیاد می‌خوانند

سؤال این است که چگونه می‌توانیم به والدینی دسترسی پیدا کنیم

که با کتاب سروکاری ندارند، در جلسات ما برای والدین شرکت

نمی‌کنند و به فرزندان خود با توجه به متغیرهای اصلی اجتماعی کردن

کتابخوانی، آموزش کافی نمی‌دهند؟

من هم پذیرفتم. دوست دیگری هم با ما همراه شد و به صورت گروه ۳ نفره، عازم قائن شدید. بدون این که بدانیم هدف از این رفتن چیست؟ صرفاً می‌گفتم برای کمک می‌رویم. ما تقریباً روز دوم بعد از زلزله به آن جا رسیدیم. یعنی هنوز آواربرداری کامل انجام نشده بود و هنوز جنازه‌ها در زیر آوار مانده بودند.

در حقیقت، ما می‌خواهیم بدانیم که حضور در مناطق زلزله زده تا چه حد مفید است؟ ما می‌گوییم می‌توانیم مربیانی را به آن جا ببریم و زمین بازی درست کنیم و امکاناتی فراهم آوریم که بچه‌ها بازی کنند و از این صحنه‌ها دور باشند. چرا باید کار فرهنگی را فقط با کتاب و نقاشی ارائه کرد؟ آیا ما آن‌قدر ساعات مطالعه‌مان پر است که همیشه از ساعات‌مان برای مطالعه استفاده می‌کنیم که حتی در زمان وقوع حوادث طبیعی هم مایل به از دست دادن این وقت نیستیم و هم چنان باید مطالعه بکنیم؟ من خودم به این سؤال فکر کردم و نتیجه‌ای را که گرفتم، خدمت شما عرض می‌کنم. من گمان می‌کنم که ما در دو بخش، این کار فرهنگی را انجام دادیم و تأکید می‌کنم که باید در مناطق آسیب دیده انجام دهیم و برای کودکان و بزرگان مصیبت دیده این امکانات را فراهم کنیم. دلیل اول، تسکین آلام آن‌هاست؛ آلامی که انکار ناشدنی است. بچه‌ای که شما از او سؤال می‌کنید که چند نفر از خانواده‌ات فوت کردند، با انگشتان کوچکش می‌گوید: ۳ تا داداشم و ۲ تا خواهرم، فشار زیادی را تحمل می‌کند. و هم چنین بزرگسالی که این مشکل را دارد. ارائه فعالیت‌های فرهنگی، از جمله کتاب‌خوانی کمک زیادی در تسکین آلام ایشان دارد. اما آن چه مهم‌تر است، این است که انسان‌هایی که نیازهای اولیه زندگی خود را از دست می‌دهند و به عبارت دیگر محتاج می‌شوند به نیازهای اولیه زندگی برای زنده ماندن، در معرض یک جور احتضار در انسانیت به سر می‌برند. لازم است توضیح بیشتری بدهم. جمع ما مجمعی ادیب

نقد قراردهند تا ببینیم چه تعدادی از آن‌ها اساساً مفید هستند تا بتوان از آن‌ها به عنوان دست‌نامه، بیشتر استفاده کرد. خیلی عذر می‌خواهم از این که وقت دوستان را گرفتم.

در ادامه، شاه آبادی گفت: با عرض سلام و خیرمقدم به دوستان عزیز. همان‌طور که توجه دارید، کانون به عنوان یک نهاد فرهنگی پُرسابقه، در حوزه گسترش کتاب و کتابخوانی، فعالیت‌های متعددی انجام داده است و شاخه‌های متنوعی از فعالیت را اداره می‌کند. وجود ۶۰۰ کتابخانه ثابت و ۵۵ کتابخانه سیار و روستایی و یا انتشار سالانه چیزی در حدود ۲۰۰ عنوان کتاب، به زبان‌های مختلف و حتی زبان‌های محلی که به تازگی و خوشبختانه گسترش بیشتری پیدا کرده و انتشار کتاب به زبان کردی و ترکی (آذری)، یعنی خصوصاً ترکی آذری، در کانون سابقه نداشته است و ما در سال ۸۲ موفق به انجام آن شدیم و یا انتشار کتاب‌هایی با خط بریل، برای استفاده نابینایان و انجام پژوهش‌های کاربردی در حوزه ادبیات کودک و انتشار آن‌ها به صورت کتاب، تا به حال فعال بوده است.

اما آن چه امروز قصد دارم به حضوَران عرض و معرفی کنم، تجربه‌ای است که از فعالیت در مناطق آسیب دیده از زلزله به دست آورده‌ایم. آن‌چه مورد تأکید من است، فعالیت کانون در مناطق آسیب دیده جنوب خراسان، در سال ۷۶ است و به واسطه این که من از نزدیک در جریان بودم و کار کردم و در ادامه اشاره خواهم کرد که این فعالیت چگونه در مناطق زلزله زده به هم صورت گرفت. گمان می‌کنم اردیبهشت سال ۷۶ بود که زلزله‌ای در جنوب خراسان، در بیرجند به وقوع پیوست. در این زلزله، در حدود ۱۲۰ روستا تقریباً تخریب شد و چیزی در حدود ۲ هزار نفر در این زلزله کشته شدند. هنوز ۲۴ ساعتی از زلزله نگذشته بود که یکی از دوستان با من تماس گرفتند و پیشنهاد کردند که به منطقه زلزله زده برویم.

هولم:

بنیاد کتابخوانی در آلمان، از پزشکان متخصص اطفال خواسته است که موضوع کتابخوانی کودکان و رشد قدرت بیان آن‌ها را بیش از پیش، در گفت و گو با والدین، مورد توجه قرار دهند

برای آشنا ساختن کودکان با وسایل ارتباطی،
یک وسیله ارتباطی را بر وسیله‌ای دیگر ترجیح دهیم،
بلکه مهم‌تر این است که وسایل مختلف ارتباطی برای کودکان،
به نحو صحیحی با یکدیگر تلفیق شوند

آن‌ها فراهم سازد.
از جمله دیگر فعالیت‌های این بنیاد در این زمینه
ایجاد سایت‌های کامپیوتری در مدارس برخی
استان‌ها و شهرستان‌های دیگر ایران، از جمله
اصفهان، کاشان، گیلان، مازندران، گلستان و برخی
دانشگاه‌ها، مراکز بهزیستی و سازمان‌های فرهنگی
است. همچنین، آموزش، طراحی و ایجاد وب سایت
در مدارس و آموزش الکترونیکی، از دیگر
فعالیت‌هایی است که با توجه به تنگناهای موجود،
می‌تواند راه‌حلی برای رفع مشکلات آموزشی کشور
باشد. به علاوه، برگزاری نمایشگاه‌های سالانه در
زمینه‌های گوناگون فن آوری اطلاعات، رباتیک و
طراحی وب سایت شعر و کتاب، دیگر فعالیت‌های این
بنیاد است.

و بالاخره، یکی از ارزشمندترین
فعالیت‌های این بنیاد، همکاری با شبکه بین‌المللی
international education resourcenet work
است که در میان هزاران مدرسه ابتدایی و متوسطه،
در بیش از ۱۰۰ کشور جهان، پروژه‌های همکاری در
زمینه‌های علمی، فرهنگی، هنری و اجتماعی را
سامان‌دهی می‌کند. این پروژه‌ها امیدهای نیک یا
goodhope نام دارند که با الهام از نظریه
گفت‌وگوی تمدن‌ها، توسط معلمان ایرانی طراحی
شده است. هدف این پروژه‌ها، این است که با استفاده
از فن آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، محیطی مساعد
برای گفت و گو و همکاری‌های علمی و فرهنگی
برای دانش‌آموزان، معلمان و دست‌اندرکاران تعلیم و
تربیت کشور پدید آورند تا بتوانند تفاوت‌های یکدیگر
را درک کنند و از یکدیگر بیاموزند.

قابل ذکر است، مطالبی که بین دانش‌آموزان و
معلمان ایرانی، با معلمان و دانش‌آموزان سایر نقاط
جهان به بحث و تبادل نظر گذاشته می‌شود، شامل
افسانه‌ها و اسطوره‌ها و آشنایی با فرهنگ‌ها و آداب و
رسوم دوستی از طریق هنر می‌شود. همچنین،
همکاری این بنیاد با کانون، در زمینه تبادلات
فرهنگی، در برگیرنده پروژه‌ای فرهنگی بین کودکان
ایرانی و هلندی است که به نمایشگاهی که در کشور
هلند، در موزه تروپن، در شهر آمستردام، برای کودکان
۶ تا ۱۲ ساله، به مدت دو سال و نیم دایر شده است،
مربوط می‌شود. در این پروژه ۳۰ کودک از
کتابخانه‌های کانون، با ۳۰ کودک از بچه‌های دو
مدرسه در آمستردام هلند، با هم از طریق اینترنت به
تبادل فرهنگی می‌پردازند. با تشکر از توجه شما
حاضرین محترم.

در حاشیه مراسم

- در این مراسم، تعدادی بروشور آموزشی، از مؤسسه
بنیاد خواندن به زبان آلمانی، بین حضار توزیع شد.
- هولم، در تاریخ ۹ مه ۲۰۰۴، با حضور در
نمایشگاه بین‌المللی تهران، به ایراد همین سخنرانی
پرداخته بود.

لزوم آشنایی با زبان فناوری اطلاعات در بین جوانان
و دانش‌آموزان، کاملاً محسوس است تا بتوانند از
طریق کتابخانه‌های مجازی یا دیجیتالی، به
گنجینه‌های فرهنگ و علوم بشری دست یابند و به
کمک سیستم‌های چند رسانه‌ای، به شناخت سایر
فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نایل آیند.

در حال حاضر در ایران، تمام دانشگاه‌ها به
اینترنت مرتبطند و بیشتر آن‌ها نشریات الکترونیکی
دارند، ولی هم‌چنان دستیابی به کتاب‌های
الکترونیکی، در ایران میسر نیست. جز این که برخی
کتاب‌ها به صورت CDram در دسترس
دانشجویان قرار گرفته است. هم چنین لازم است
بگویم که تب اینترنت، حتی به روستاها هم سرایت
کرده. گفتمی است: به منظور بالا بردن سطح دانش
کامپیوتری، در اواخر سال ۱۳۷۹، اولین روستای
اینترنتی ایران (شاهپور)، با ۶۰۰۰ نفر جمعیت، با
همکاری مجمع دانشگاهیان و اهالی منطقه، به
شبکه جهانی اینترنت متصل گردید و به دنبال آن، در
سال ۱۳۸۰، روستای قرن‌آباد دومین روستای اینترنتی
ایران نیز به شبکه جهانی اینترنت پیوست و هم زمان
با آن، اولین کتابخانه مجازی یا دیجیتالی روستایی نیز
تأسیس گردید. هم چنین، در این روستاها کلاس‌های
آموزش کامپیوتر و اینترنت در تمام مقاطع سنی
برگزار می‌شود. در ادامه، به معرفی بنیاد دانش و هنر
که بنیان‌گذار شبکه مدرسه و مؤسس مراکز فناوری
اطلاعات (It)، در برخی نقاط ایران است، می‌پردازم.
این بنیاد، به عنوان یک مؤسسه فرهنگی
غیرانتفاعی، با هدف اشاعه فرهنگ فناوری اطلاعات
و ارتباطات در بین دانش‌آموزان و نوجوانان، در اسفند
ماه سال ۱۳۷۷ شمسی بنیان‌گذاری شد. این بنیاد
تاکنون موفق شده است دهه‌ها مدرسه نمونه در مناطق
محروم استان تهران، مثل شهر ری، ورامین،
اسلام‌شهر و رباط کریم را به سایت کامپیوتری مجهز
کند و از این طریق، امکان دستیابی به اینترنت را برای

است و من به خود اجازه می‌دهم این مثال را بزنم.
نمایشنامه «شاه لیر» شکسپیر را حتماً خوانده‌اید. در
آن جا جمله‌ای زیبا وجود دارد. وقتی شاه لیر تمام
زندگی خود را به دخترانش می‌بخشد و وقتی
می‌خواهد به خانه آن‌ها برود، راهش نمی‌دهند و از او
می‌خواهند تا تعداد همراهانش را کم کند می‌خواهم
نتیجه بگیرم که آدمی برای زندگی احتیاج به چیزی
دارد که اسم آن را تحمل می‌گذارم و امیدوارم تحمل
را با معنی مصطلح بد آن مورد توجه قرار ندهید. ما
برای انسان بودن، محتاج تحمل هستیم و فرهنگ
تجمل، فرهنگی بسیار فرهیخته و مناسب است که
در چنین مواردی، به آن احتیاج داریم. حضور
گروه‌های فرهنگی و ادامه فعالیت‌های فرهنگی،
برای انسان‌هایی که نیازهای اولیه زندگی خود را از
دست داده‌اند و اکنون محتاج به دست آوردن آن‌ها
هستند، بسیار واجب و مهم است.

تجربه فعالیت ما در قاش، بسیار موفقیت‌آمیز بود
و با استقبال خوبی مواجه شد. این تجربه، بعدها در
اردوگاه آوارگان افغانی تکرار شد، هم چنین، در واقعه
سیل اردبیل نیز ادامه یافت تا هنگام وقوع زلزله بم که
همان تجربیات زلزله جنوب خراسان، در آن جا هم به
کارگرفته شد. امروز پایگاه‌های ثابت و سیار کانون،
هم چنان در منطقه آسیب دیده بم، مشغول فعالیت
هستند؛ فعالیتی که قطعاً قابل ارج‌گذاری است. از
تحمل و توجه شما سپاس گزارم.

پس از سخنرانی، شاه آبادی، حائری یزدی، به
ایراد گزارشی درباره نقش اینترنت و ترویج آن در
کتابخوانی پرداخت:

با عرض سلام و خیرمقدم به حضار محترم.
در حال حاضر، استفاده از اینترنت بیشتر امکانی برای
نیل به اهداف آموزشی محسوب می‌شود.
فن آوری اطلاعات، در دهه اخیر، در تمام شئون
زندگی بشر، اعم از آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و
اقتصادی، نقش مؤثری را ایفا کرده است. بنابراین،